

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

محمدحسین پناهی*

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

(تاریخ دریافت ۸۴/۸/۱۰، تاریخ تصویب ۸۵/۱/۲۲)

چکیده

یکی از منابع مهم شناخت ایدئولوژی و ارزش‌های انقلابات شعارهای آن‌ها است. انقلاب اسلامی نیز دارای شعارهای زیادی است که در آن‌ها ایدئولوژی انقلابی و ارزش‌ها و اهداف انقلاب مطرح و منعکس گردیده است. یکی از موضوعات مهمی که در شعارهای انقلاب اسلامی دیده می‌شود ارزش‌های مربوط به جهاد و شهادت است، که در قالب مفاهیم مختلفی مطرح شده است. هدف این مقاله بررسی شعارهای انقلاب اسلامی و استخراج و تجزیه و تحلیل این‌گونه شعارهاست، تا روشن شود این ارزش‌ها و ارزش‌های مربوط به آن‌ها چه جایگاهی در شعارها و نهایتاً در ایدئولوژی انقلاب اسلامی دارند. این پژوهش، که با روش تحلیل محتوا انجام شده است، نشان داد که در میان ۴۱۵۳ شعار انقلاب اسلامی ۳۹۰ شعار حاوی مضمون‌های جهاد و شهادت وجود دارد، که خود حاوی حدود ۸۵۰ مضمون مربوط به جهاد و شهادت و ارزش‌های مربوط به آن‌ها می‌باشند. تجزیه و تحلیل این مضمون‌ها نشان داد که حدود ۲۱ درصد آن‌ها مربوط به ارزش‌های غایی، و حدود ۲۳ درصد آن‌ها مربوط به ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت هستند. بقیه مضمون‌ها نیز در زمینه اعلام آمادگی برای جانبازی و شهادت در راه امام خمینی، خاستگاه اجتماعی شهیدان، اعلام آمادگی و دعوت به جهاد و شهادت، و ارتباط دادن انقلاب و شخصیت‌های آن و فداکاری و جانبازی انقلابیون به قیام امام حسین (ع) و سایر موضوعات می‌باشند. این بررسی حاکی از تأثیر زیاد ارزش‌های جهاد و شهادت در فرایند بسیج توده‌ای انقلاب اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، شعارهای انقلاب اسلامی، ارزش‌های غایی و ابزاری، ایدئولوژی ارزش‌های جهاد و شهادت

مقدمه

همه انقلابات مدرن دارای ایدئولوژی انقلابی می‌باشند که در فرایند انقلاب کارکردهای مهمی را ایفا می‌کنند. از جمله این کارکردها نشان دادن دیدگاه انقلابیون و مردم انقلابی نسبت به وضع موجود جامعه، وضعیت جامعه آرمانی و مطلوب، ارزش‌های اساسی انقلابیون و مردم، اهداف و آرمان‌های انقلاب، و نحوه انتقال جامعه از وضع موجود به وضع آرمانی می‌باشد. ایدئولوژی انقلابی در فرایند انقلاب معمولاً به صورت شعارهای انقلابی مطرح می‌گردد، که هسته اصلی ایدئولوژی و ارزش‌های اساسی انقلاب را در بر دارند. به همین سبب شعارهای انقلاب از اسناد مهم و اصلی انقلاب به شمار می‌رود که مطالعه آن‌ها یکی از منابع مهم شناخت ایدئولوژی، ارزش‌ها و آرمان‌های آن انقلاب است.

انقلاب اسلامی ایران نیز دارای شعارهای زیادی است که حاوی ایدئولوژی انقلاب بوده و موضوعات مهمی از جمله چگونگی بسیج مردم و سرنگون کردن رژیم حاکم، ارزش‌ها و اهداف انقلاب، دیدگاه مردم و انقلابیون نسبت به جامعه آرمانی و چگونگی تحقق آن را منعکس می‌کنند، که ضرورت دارد مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. یکی از مضامین مهمی که در شعارهای انقلاب اسلامی وجود دارد ارزش‌های جهاد و شهادت است، که در قالب مفاهیم مختلفی چون شهادت، جهاد، فداکاری، جانبازی و از جان گذشتگی آمده‌اند، و کارکردهای مهمی را در فرایند انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند. از جمله این کارکردها می‌توان به زمینه‌سازی بسیج فراگیر توده‌ای و آماده کردن مردم جهت فداکاری و جانبازی برای انقلاب اشاره کرد.

برای سرنگون کردن یک نظام حاکم نیاز به بسیج فراگیر توده است که با مشارکت وسیع مردم در جنبش انقلابی امکان‌پذیر است. در مقایسه با سایر انقلابات، در انقلاب اسلامی مشارکت مردمی بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر بوده است، به طوری که از تمام طبقات و اقشار اجتماعی در آن حضور داشتند. گاهی تظاهرات چند میلیونی در شهرهای بزرگ در سراسر کشور بر پا می‌گردید که نمونه آن در کمتر انقلابی دیده شده است. مطالعه علل مشارکت فراگیر توده‌ای در انقلاب اسلامی ایران از موضوعاتی که همیشه مورد توجه محققین جامعه‌شناسی انقلاب بوده است. مطالعه شعارهای جهاد و شهادت می‌تواند کمک شایانی برای روشن شدن این موضوع بنماید.

بدیهی است قیام علیه یک رژیم سیاسی نیرومند و مسلح بدون فداکاری و از جان گذشتگی مردم انقلابی امکان ندارد؛ و برای فداکاری و جانبازی جهت سرنگون کردن یک رژیم، اعتقاد به ارزش‌ها و اهدافی که والاتر از جان انسان‌ها باشد ضروری است. بدون اعتقاد به چنین ارزش‌هایی انسان‌ها دست به قیام نمی‌زنند و وضع نابسامان موجود را تحمل می‌کنند. از آن جا که ارزش‌های جهاد و شهادت در ایدئولوژی اسلامی ارزش‌هایی هستند که مسلمانان، مخصوصاً پیروان مذهب تشیع، به آن‌ها اهمیت بسیاری قائلند، می‌تواند زمینه‌ساز فداکاری و از جان گذشتگی لازم در فرایند انقلاب اسلامی باشد. لذا مطالعه کم و کیف و ابعاد این ارزش‌ها در شعارهای انقلاب اسلامی می‌تواند نقش و کارکرد آن‌ها را در آماده کردن مردم برای از جان گذشتگی و شهادت‌طلبی در فرایند انقلاب نشان دهد.

هدف اصلی این مقاله مطالعه ارزش‌های جهاد و شهادت موجود در شعارهای انقلاب اسلامی است، تا روشن شود این ارزش‌ها چه جایگاهی در شعارها و نهایتاً در ایدئولوژی انقلاب اسلامی داشته‌اند. بنابراین سؤالات اصلی تحقیق ما این است که اولاً، چه تعداد و نسبت از شعارهای انقلاب اسلامی حاوی شعارهای مربوط به جهاد و شهادت است، و ثانیاً، ارزش‌های شهادت و جهاد چگونه و در چه زمینه‌هایی مطرح شده‌اند. برای پاسخگویی به این سؤالات لازم بود ابتدا شعارهای انقلاب اسلامی در دست باشند. از آن جا که محقق قبلاً در تحقیق دیگری این شعارها را به دست آورده است، زمینه لازم برای تحقیق فعلی فراهم گردید. با در دست داشتن شعارهای انقلاب، می‌باید شعارهای حاوی مفاهیم مربوط به جهاد و شهادت استخراج می‌شد، تا تعداد و نسبت آن‌ها در بین شعارهای انقلاب به دست آید. در مرحله بعدی باید این شعارها، بر اساس چارچوب مفهومی تدوین شده، و روش تحقیق، تحلیل محتوا شوند تا چگونگی توزیع آن‌ها در مقولات مختلف بررسی و مشخص شود.

چارچوب مفهومی: اهمیت باورها و ارزش‌ها در بسیج توده‌ای

برای سرنگون کردن یک نظام سیاسی نیاز به بسیج توده‌ای فراگیر است، تا نیروی انسانی و منابع سازمانی و مادی و معنوی لازم برای بر انداختن نظام حاکم فراهم شود (اوزم، ۱۹۷۹: ۲۲-۲۳). بر اساس دیدگاه بسیج، نارضایتی مردم از شرایط موجود به تنهایی کافی نیست که یک جنبش

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

انقلابی یا اصلاحی نیرومند و موفق به وجود آید، بلکه برای شکل‌گیری یک جنبش انقلابی علاوه بر نارضایتی توده‌ای نیاز به سازماندهی و رهبری و منابع مهم دیگر است (اوبرشال، ۱۹۷۳: ۲۸). اما وجود باور جمعی مبنی بر نامناسب و غیرقابل تحمل بودن یک نظام سیاسی از یک طرف، و وجود ارزش‌هایی برای فداکاری و از جان گذشتگی برای تغییر آن از طرف دیگر، برای سرنگون کردن نظام حاکم بسیار مهم است. به همین علت نقش باورهای جمعی در نظریات انقلاب از دیر باز مطرح بوده‌اند.

فایرمن و گامسون تأکید می‌کنند که یک عامل مهم در فرایند بسیج، اعتقاد به آن است که خواسته مشترک جمع خواستی است متکی بر عدالت، برابری و حق، و این که چنین اعتقاداتی ریشه در فرهنگ مردم داشته باشد (فایرمن و گامسون، ۱۹۷۹: ۲۶). زالد و مک کارتی اساساً جنبش اجتماعی را مجموعه‌ای از عقاید و باورها در مردم تعریف می‌کنند، که اولویت آن‌ها را برای تغییر اجتماعی و یا تغییر در توزیع پاداش‌ها در جامعه نشان می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۴). به علاوه، آن‌ها تأکید خاصی روی عامل وفاداری به گروه و احساس مسئولیت در برابر اصول و عقاید مشترک دارند، به طوری که هر چه ضرورت بسیج فراگیر بیشتر شود ضرورت تکیه روی این عوامل افزون‌تر می‌گردد. البته وفاداری به گروه و احساس مسئولیت در برابر سرنوشت آن، مقولات فردی نیستند بلکه باید ریشه در فرهنگ جامعه داشته باشند (همان: ۳۱). چارلز تیلی، از نظریه‌پردازان بسیج اجتماعی و انقلابی، نیز روی عنصر وفاداری و احساس مسئولیت گروهی زیاد تأکید می‌کند. به نظر وی تشکیل یک سازمان بسیج بدون احساس تعهد اعضای آن، و موفقیت یک جنبش اجتماعی بدون احساس تعهد جمعی در قبال اهداف جنبش امکان‌پذیر نمی‌باشد (بنگرید به تیلی، ۱۹۷۸: ۶۲-۶۴ و ۲۰۸-۲۰۴). وی در کارهای بعدی خود بیش از گذشته روی عنصر تعهد جمعی نسبت به اهداف جنبش تأکید می‌کند به طوری که یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده قدرت جنبش را کمیت و کیفیت تعهد اعضای آن معرفی می‌کند که بدون آن امکان عمل جنبش وجود ندارد (بنگرید به مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۵۴).

افراد دیگری نیز درباره اثر و نقش اعتقادات و باورهای جمعی در جنبش‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. هافر می‌نویسد «اگر قرار باشد افراد با تمام وجود خود را در تعهدی در راه

تغییری همه جانبه غوطه‌ور سازند، باید آنان به غایت ناراضی، ولی نه بیچاره، باشند و باید احساس کنند با در اختیار داشتن تعلیماتی استوار و پرتوان، رهبری مصون از خطا یا فزونی جدید، به منبع قدرتی مقاومت ناپذیر دسترسی یافته‌اند» (هافر، ۱۳۷۲: ۵۲). آنچه مسلم است اعتقادات دینی که ریشه در فرهنگ یک جامعه دارد می‌تواند منبع اساس چنین تعلیمات استوار و پرتوان باشد. اهمیت عقاید و ارزش‌های محکم برای جنبش‌های انقلابی به وسیله بسیاری از جامعه‌شناسان مطرح شده است. از نظریات متقدم در جنبش‌های انقلابی می‌توان به کرین بریتون نیز اشاره کرد که به نقش اسطوره، ایده و ایدئولوژی در انقلابات می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که «ایده‌ها همیشه بخشی از وضع ماقبل انقلابی را تشکیل می‌دهند، و به همین کاملاً بسنده می‌کنیم: اگر ایده‌ها نباشند، انقلابی نیز در کار نیست» (بریتون، ۱۳۷۰: ۵۹).

مجموعه نظام یافته‌ای از باورها و ارزش‌های اجتماعی تشکیل یک ایدئولوژی را می‌دهد، که در جنبش‌های اجتماعی و انقلابات نقش اساسی ایفا می‌کند. ابرشال، در کتاب *تضاد اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی*، به طور مشخص به بحث ایدئولوژی می‌پردازد و ادعا می‌کند که ایدئولوژی یک عنصر مهم در مطالعات جنبش‌های اجتماعی است. وی چهار نقش و یا کارکرد برای ایدئولوژی توسعه یافته در جنبش‌های اجتماعی برمی‌شمارد: تبیین و تفسیر فرایندی که به شرایط نابسامان ماقبل انقلابی انجامیده است؛ ارایه تصویری از جامعه آرمانی در صورت موفقیت انقلاب؛ ارایه یک نظام اخلاقی جدید؛ و ارایه تفسیر تاریخی جدید از گروه و جامعه انقلابی (اوبرشال، ۱۹۷۳: ۱۷۸-۱۸۴).

ژان بشلر نیز در پاسخ به این سؤال که «ایدئولوژی به چه درد می‌خورد؟» کارکردهای مختلف ایدئولوژی را برمی‌شمارد که شامل صف‌آرایی یا جبهه‌گیری، توجیه، پرده‌پوشی، موضع‌گیری، و دریافت یا ادراک می‌باشد. کارکرد صف‌آرایی یا جبهه‌گیری ایدئولوژی سبب جدا کردن صف‌های دوست و دشمن به وسیله طرح نشانه‌ها، نمادها، شعارها و علایم دیگر می‌گردد تا اعضای جنبش به راحتی دوست و دشمن خود را شناخته و صف خودی را از غیرخودی جدا کنند. این کار سبب تسهیل فداکاری و ایثارگری برای خودی و پرخاشگری برای غیرخودی است (بشلر، ۱۳۷۰: ۶۱-۶۶). در کارکرد توجیه، ایدئولوژی دلایل خود را برای

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

اهداف جنبش مطرح کرده و حقانیت آن را برای طرفداران نشان می‌دهد، تا آنان را آماده حرکت و فداکاری و ایثارگری برای جنبش نماید. همچنین ایدئولوژی کمک می‌کند تا تصمیم‌گیران از میان جهت‌گیری‌ها، مواضع و هدف‌های متعدد گزینش کرده و ترکیب و تفسیر خاصی از داده‌های موجود را ملاک عمل خود قرار دهند. یکی از این دریافت‌ها دریافت وضعیت مطلوب اجتماعی و فاصله و شکاف آن با وضع موجود است. هرچه این شکاف عمیق‌تر باشد توجه بهتری برای جنبش انقلابی و فداکاری در راه آن وجود خواهد داشت (همان: ۹۱).

بنابراین، اعتقاد محکم به ایدئولوژی و حقانیت آن و حقانیت اهدافی که ترسیم می‌کند و گزینش‌هایی که پیش پای آدم می‌گذارد ضرورت اساسی برای اقدام انقلابی، جان فشانی و از خود گذشتگی برای اهداف آن دارد. هر چه این اهداف عام‌تر، انتزاعی‌تر، کلی‌تر و بلند مدت‌تر باشد باوراندن آن‌ها به مردم مشکل‌تر می‌شود، و در نتیجه نیاز به یک ایدئولوژی قوی، نیرومند و متقاعدکننده بیشتر می‌گردد. چرا که در این صورت نتیجه بسیاری از فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها در کوتاه مدت به فرد بر نمی‌گردد، و دلایل قانع‌کننده‌تری برای فداکاری و جانبازی مورد نیاز است. لذا نارسایی ایدئولوژی‌های مادی برای انقلابات و جنبش‌های اجتماعی، و برتری ایدئولوژی اسلامی آشکار می‌شود. از این رو انتخاب جهاد، شهادت و جانبازی برای اهداف اسلام و انقلاب به علت اعتقاد به زندگی برتر ماورای مادی ممکن می‌گردد، و نهایت درجه و اوج ایثارگری و فداکاری مردم در انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلابات روشن می‌شود. این چنین است که یک فرد مسلمان جان باختن در راه اهداف متعالی اسلامی را نه تنها غیر عاقلانه تلقی نمی‌کند - چنان که نظریات فایده‌گرا مطرح می‌کنند - (اولسون، ۱۹۷۷: ۲) بلکه عاقلانه‌ترین انتخاب می‌داند، انتخابی که در آن فرد وارد معامله و معاهده‌ای با خدا می‌شود که در قبال جهاد و شهادت در راه اسلام زندگی جاودانه ابدی و بهشت جاودان را نصیب خود می‌کند (بنگرید به قرآن مجید، سوره توبه: آیه ۱۱۱). به همین سبب است که می‌بینیم نظریه‌پردازان غربی و نظریات آنان به راحتی توان فهم انقلاب ایران و علل شهادت‌طلبی و ایثارگری بالای مردم مسلمان ایران را ندارند.

جالب توجه است که در بین نظریه پردازان غربی اریک هافر به خوبی به این نکته اشاره می کند که: «قدرت یک جنبش توده ای فراگیر از تمایل پیروان آن به اقدام یکپارچه و از جان گذشتن سرچشمه می گیرد. وقتی که ما توفیق یک جنبش را بر ایمان، تعالیم، تبلیغات، رهبری، بی رحمی و غیره نسبت می دهیم، در واقع به وسایل متحد ساختن و آماده کردن آنان برای از خود گذشتگی اشاره می کنیم. شاید بتوان گفت، فهم ماهیت جنبش های توده ای غیرممکن است مگر این که بدانیم که عمده ترین مشغولیت آن ها ایجاد، توسعه و تداوم عمل یکپارچه و متحد و از جان گذشتگی است» (هافر، ۱۹۵۱: ۵۷). اساساً یکی از ویژگی های مهم جنبش های انقلابی و توده ای آن است که سازمان و رهبران آن مردم را برای فداکاری و از خود گذشتگی و حفظ اتحاد و یکپارچگی آماده نگاه می دارند و بدان دعوت می کنند. پلامنتاس نیز معتقد است که شکل و حفظ انسجام گروهی، و ترغیب مردم به فداکاری های بزرگ در راه آرمان ها، از کارکردهای مهم ایدئولوژی است (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۸۵).

در بررسی ویژگی های ایدئولوژی انقلاب اسلامی، اخوان مفرد نیز کارکرد ایجاد روحیه فداکاری، ایثار، صبر و شکیبایی انقلابی را به عنوان یکی از کارکردهای این ایدئولوژی ذکر می کند و می نویسد: «در رأس ارزش هایی که مورد توجه امام قرار داشتند، ارزش هایی چون ایثار، فداکاری، از خود گذشتگی و پایمردی نیز جای دارند» (همان: ۲۴۵). به نظر وی رهبر انقلاب تأکید داشت که انجام وظیفه، فداکاری و ایثارگری باید برای خدا و اجر اخروی باشد. همچنین امام تأکید زیادی بر استقامت و ثبات قدم کرده و آن را از عوامل مهم پیروزی انقلاب می دانست (همان: ۲۴۶).

هر چند در ذات اسلام و مذهب تشیع ارزش های شهادت و جانبازی در راه اهداف اسلام و تحقق ارزش های اسلامی وجود دارد، در فرایند انقلاب اسلامی دو عامل مهم دیگر در آماده کردن مردم به مشارکت فعال در جنبش و ایثارگری و فداکاری در راه آن مؤثر بود. یکی رهبری فرهمندانه امام خمینی و دیگری الهام از مکتب شهادت امام حسین (ع). در این که امام خمینی رهبری فرهمند بود شکی نیست، چرا که همه ویژگی های شخصیت کاریزمایی را که مهمترین شارح آن، یعنی ماکس وبر، بیان کرده است دارا بود (بنگرید به حسینی، ۱۳۸۲ و حداد عادل،

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

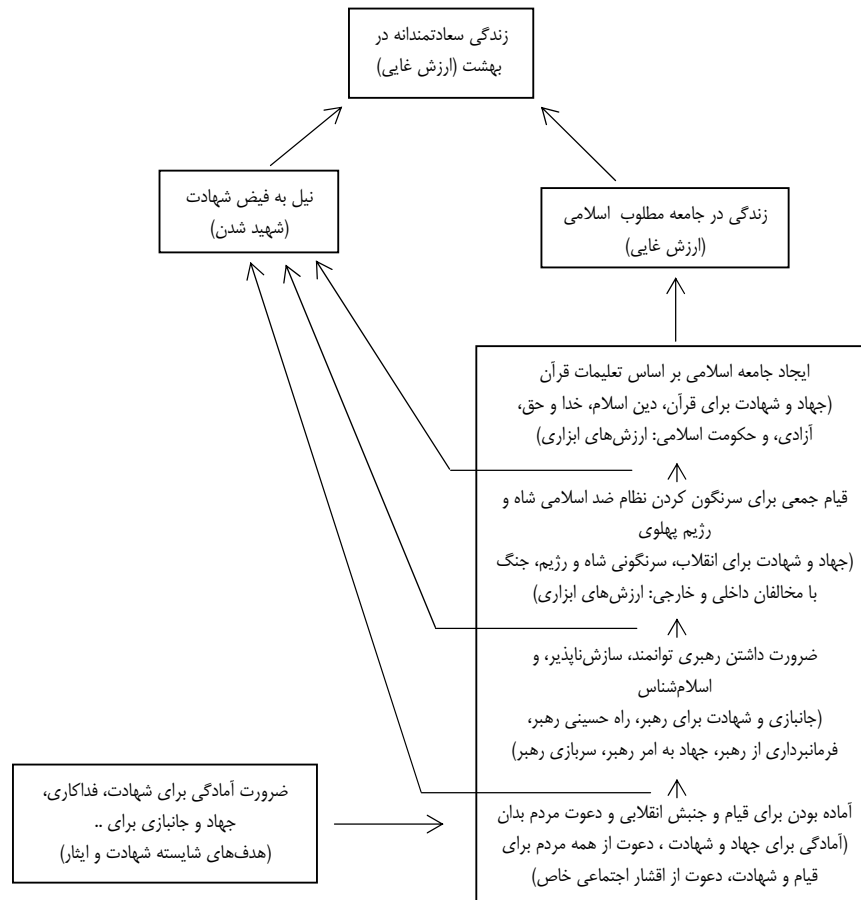
(۱۳۸۲). ویژگی‌های کارizmایی امام خمینی و برجستگی فوق‌العاده وی در مقایسه با سایر رهبران انقلاب اسلامی در شعارهای انقلاب نیز کاملاً آشکار است (بنگرید به پناهی، ۱۳۸۲: ۲۳۱-۲۳۵).

ماکس وبر به درستی اهمیت وجود رهبری فرهمند را برای جنبش‌های کارizmاتیک مطرح کرده است. یک رهبر فرهمند اهداف و مأموریت خود را مسائل و خواسته‌های مادی برای خود و پیروانش قرار نمی‌دهد. هدف او دنیا و خواسته‌های و ارزش‌های مادی و اقتصادی نیست. ماکس وبر می‌نویسد: «برای این که به مأموریت خود وفادار بمانند، رهبر و مریدان و پیروان نزدیک او باید از تعلقات و اشتغالات معمولی این دنیایی آزاد باشند» (وبر، ۱۹۷۸: ۱۱۱۳). به راستی که امام خمینی و پیروان نزدیک او چنین ویژگی را در دهه اول انقلاب به نمایش گذاشتند.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی، شعارهای انقلاب، و نمادپردازی از رهبر انقلاب (روزن، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۰۳) و حتی فرایند انقلاب، از واقعه قیام امام حسین (ع) و نحوه برپایی سالانه آن در ایران تأثیر فراوان پذیرفته است. با استفاده از فرهنگ و اسطوره‌های شیعی مربوط به قیام امام حسین (ع)، صحنه انقلاب اسلامی و شخصیت‌های اساسی درگیر در آن به نحوی نمادپردازی و جان‌نشین‌سازی شده‌اند، که گویی صحنه کربلا در ایران به نمایش درآمده است (حسینی، ۱۳۸۲: ۴۲۴-۴۲۶). از آن جا که قیام امام حسین (ع) آئینه تمام‌نمای فلسفه، معنا و تعریف عینی شهادت می‌باشد، طبعاً تقرب به این پدیده منحصر به فرد تاریخی و الهام از آن منجر به شهادت‌طلبی و از خودگذشتگی در راه هدف، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و صبر و استقامت و تلاش مداوم در راه تحقق آن‌ها خواهد بود. این است که به جرأت می‌توان گفت انقلاب اسلامی و پیروزی آن از قیام امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورایی تأثیر فراوان گرفته است.

بر اساس مباحث فوق، چارچوب مفهومی این تحقیق، که بخشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی با کارکردهای مورد بحث می‌باشد، تدوین شد، تا راهنمای تحلیل محتوای شعارهای مربوط به شهادت و ایثارگری باشد. مدل کلی این چارچوب در زیر آمده است:

مدل شماره ۱. چارچوب مفهومی تجزیه و تحلیل شعارهای جهاد و شهادت: ایدئولوژی انقلاب اسلامی و تأکید آن بر ارزش جهاد و شهادت



در توضیح کلی مدل فوق می‌توان گفت، بر مبنای ایدئولوژی اسلامی زندگی گذرای این دنیایی باید وسیله رشد، کمال و خداگونه شدن انسان باشد، تا در دنیای باقی رستگار شده و در بهشت برین و در جوار رحمت خداوندی جاودانه زندگی کند. راه نیل به این رستگاری و سعادت اخروی داشتن زندگانی بر اساس تعلیمات اسلامی است که در قرآن و سنت آمده است.

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

چنین زندگی در یک جامعه اسلامی امکان‌پذیر است که مسلمانان باید آن را ایجاد کنند. تلاش و کوشش یا جهاد و شهادت برای ایجاد یک چنین جامعه‌ای از برترین اعمال محسوب می‌شود. اگر در جامعه‌ای نظام اجتماعی غیراسلامی و یا ضد اسلامی وجود داشته باشد، در حله اول این تلاش متوجه سرنگون کردن و یا برچیدن چنان نظامی است تا بتوان به جای آن یک جامعه اسلامی بنا کرد. چنین عملی با مقاومت آن جامعه و سردمداران و قدرتمندان آن مواجه خواهد شد و خطر کشته شدن برای مخالفان این نظامی وجود دارد، که نیاز به جهاد و جانبازی و شهادت دارد. چنین اقدامی هم می‌تواند با تلاش فردی انجام شود، که اثربخشی آن خیلی کم است، و هم می‌تواند به طور جمعی انجام شود، که اثربخشی بیشتری دارد. از طرفی اقدام جمعی برای چنین کاری نیاز به رهبری، سازماندهی، نقشه و برنامه (ایدئولوژی و رهبری) دارد. همچنین نیازمند آمادگی فراگیر جمعی است تا گروه بزرگی از مردم آماده قیام بر علیه وضع موجود گردند. همه این فعالیت‌ها نیازمند یک روحیه جهاد و شهادت‌طلبی و از خود گذشتگی است، که نهایت آن کشته شدن در راه ایجاد جامعه اسلامی و زندگی در چنین جامعه است که در فرهنگ اسلامی شهادت نامیده می‌شود. شهادت، کشته شدنی است که انسان برای رسیدن به یک جامعه اسلامی آن را پذیرا می‌شود.

به عبارت دیگر، از نظر ایدئولوژی اسلامی یک فرد مسلمان یا باید در یک جامعه اسلامی زندگی کند و تلاش برای بهبود آن کند، و یا باید در جهت ایجاد یک جامعه اسلامی جهاد و تلاش کند. همچنان که زندگی در یک جامعه اسلامی مطلوب، سبب رسیدن انسان به خدا و زندگی سعادت‌مندانه اخروی (در بهشت) می‌شود، کشته شدن در راه ساختن چنان جامعه‌ای نیز انسان را به همان حیات ابدی برتر می‌رساند. یعنی، شهادت یک راه میانبر برای رسیدن به زندگی برتر و سعادت‌مندانه ابدی در آخرت است. همان‌طور که مدل شماره ۱ نشان می‌دهد، اگر یک مسلمان در هر یک از مراحل کوشش و جهاد برای ایجاد یک جامعه اسلامی کشته شود از همان مرحله به فیض شهادت نایل شده و وارد زندگی سعادت‌مندانه ابدی می‌گردد. در این مدل هر مرحله شامل هدف‌ها، ارزش‌های کلی و نیز هدف‌ها و ارزش‌های جزئی‌تر، که شایسته شهادت و ایثارگری می‌باشند، آمده است.

در نظریات جامعه‌شناختی، به زندگی سعادتمندانه دنیوی و اخروی و بعضی دیگر از ارزش‌های مربوط، مانند خوشبختی، آزادی و امنیت، ارزش‌های غایی و ارزش‌های سطح پایین‌تر را که برای رسیدن به ارزش‌های غایی ضرورت دارد، ارزش‌های ابزاری یا وسیله‌ای می‌نامند. در واقع، ارزش‌های ابزاری وسیله‌ای برای یک هدف یا ارزش برتر هستند، در صورتی که ارزش‌های غایی ذاتاً خوب تلقی شده و هدف نهایی محسوب می‌شوند (بنگرید به چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰). به عبارت دیگر، ارزش‌های اجتماعی از نظر اهمیت یکسان نیستند، و برخی اولویت بر سایرین دارند، به طوری که یک سلسله مراتب و یا نظام ارزشی را می‌سازند (بنگرید به رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۷۰ و روشه، ۱۳۷۴: ۸۱).

روکیچ نظام ارزش‌ها را همانند یک ساختار پایداری می‌داند که دوام و استمرار قابل توجهی داشته و به راحتی تغییر نمی‌کند. او نیز ارزش‌ها را به ارزش‌های غایی^۱ و ارزش‌های ابزاری^۲ تقسیم‌بندی می‌کند. «وی ارزش‌هایی را که به شیوه‌های رفتاری اشاره دارند، ارزش‌های ابزاری، و آن ارزش‌هایی را که بر حالت‌های غایی تأکید دارند، ارزش‌های غایی می‌نامد. وی ارزش‌های غایی را نیز به دو دسته تقسیم می‌کند: الف) ارزش‌هایی که بر بعد فردی تمرکز دارند (مانند رستگاری و هماهنگی یا انسجام درونی) ب) ارزش‌هایی که بر بعد اجتماعی دلالت دارند (مانند صلح جهانی و دوستی واقعی در بین مردم)» (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). مثلاً، روکیچ در بین مقیاس ارزش‌های غایی خود از آزادی، برابری، خوشبختی و احساس موفقیت و در بین مقیاس ارزش‌های ابزاری از بخشندگی، صداقت، پاکیزگی و مهربان بودن نام می‌برد (همان: ۱۱۳).

بر اساس مباحث فوق، در یک تقسیم‌بندی کلی در این تحقیق ما نیز ارزش‌های مطرح شده در شعارهای جهاد و شهادت را به ارزش‌های غایی و ابزاری تقسیم کردیم. بدین ترتیب که در این شعارها ارزش‌هایی مطرح شده‌اند که ذاتاً مطلوبیت نهایی داشته و می‌توانند ارزش‌ها و اهداف غایی یک فرد مسلمان را بسازند که زندگی خود را بر آن اساس پی‌ریزی کند. این دسته از ارزش‌ها را ارزش‌های غایی می‌نامیم. مانند ارزش‌های سعادت و رستگاری در آخرت و حیات جاودانی در بهشت برین و زندگی در یک جامعه اسلامی راستین. دسته دیگری از

1. terminal values
2. instrumental values

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

ارزش‌های مطرح شده در این شعارها، ارزش‌های ابزاری هستند که خود وسیله تحقق ارزش‌های غایی و بالاتر بشمار می‌روند. بسیاری از ارزش‌های جهاد و شهادت از این دسته‌اند. علاوه بر این دو دسته، ارزش‌های دیگری نیز در این شعارها، مانند دعوت و اعلام آمادگی برای قیام و جنانبازی برای رهبری، مطرح شده‌اند که مثال‌ها و جزئیات آن را بعداً خواهیم دید. بر اساس این تفکیک کلی و بر مبنای مدل تدوین شده فوق مضمون‌های موجود در شعارهای جهاد و شهادت تحلیل محتوا شدند.

روش تحقیق

روش این تحقیق شامل روش جمع‌آوری شعارهای انقلاب، جداسازی شعارهای واقعی انقلاب از غیر شعارها، تجزیه و تحلیل شعارهای به دست آمده، استخراج شعارهای شهادت و جهاد از سایر شعارها، و تجزیه و تحلیل شعارهای اخیر است. از آن جا که سه سطح اول روش‌شناسی این تحقیق در جای دیگر توضیح داده شده است (بنگرید به پناهی، ۱۳۸۳: فصول اول و دوم و پنجم) در این جا فقط اشاره‌ای به آن‌ها کرده، آنگاه روش تحلیل محتوای مربوط به شعارهای جهاد و شهادت را بیشتر توضیح می‌دهیم.

ابتدا شعارگونه‌های انقلاب اسلامی ایران با روش خاصی از کلیه منابع نوشته شده، متعلق به چهار سال مهر ۱۳۵۶ تا شهریور ۱۳۶۰، از سراسر کشور جمع‌آوری شدند. بر اساس تعریف ساخته شده به وسیله محقق از «شعار انقلابی» ابعاد شعار انقلابی مشخص و بر اساس آن‌ها شعارگونه‌های فوق تحلیل محتوا شدند. تعریف مبنا عبارت بود از: «شعار انقلابی عبارتی نسبتاً موزون و ساده و عامه فهمی است که بتواند دسته جمعی ادا شده، و با تکیه بر عواطف و احساسات توده‌ای، ارزیابی منفی یا مثبتی از وضع موجود، یا وضع آرمانی، یا شخصیت‌های سیاسی آن‌ها ارایه دهد و با قضاوت ارزشی به توده‌ها جهت داده و آن‌ها را دعوت به عمل سیاسی جمعی کند تا نظام حاکم را بر انداخته و نظام آرمانی را جایگزین آن کنند» (پناهی، ۱۳۸۳: ۴۹ و پناهی، ۱۳۷۹: ۶۷). از این مرحله ۴۱۵۳ شعار انقلابی متفاوت به دست آمد. آنگاه با استفاده از روش تحلیل محتوا و بر اساس چهارچوب مفهومی تدوین شده، شعارهای فوق تجزیه و تحلیل شدند (بنگرید به پناهی، ۱۳۸۳: فصول چهار و پنج و شش).

در تحقیق حاضر باید شعارهای مربوط به شهادت و جهاد که بار ارزشی دارند از شعارهای انقلاب استخراج می‌شدند. برای این کار کلیه مفاهیم هم ریشه با واژه شهادت و جهاد و واژه‌های هم معنای آن‌ها که در شعارهای انقلاب به کار رفته‌اند، مشخص شدند. این مفاهیم عبارت هستند از: شهادت، شهدا، شهید، شهیدان، شاهد، قیام، جهاد، جهاد کردن، ایثار، ایثارگر، ایثارگری، کشته، کشته شدن، کشته شده، مقتول، فدایی، فداکردن، فداکاری، فداکار، جانبازی، جانباز، جانبازی کردن، از جان گذشتن، از جان گذشتگی، جان باختن، جان باخته، جان دادن، از خود گذشتن، مرگ، خواستن مرگ و مردن. به علاوه، استعاره‌هایی هم که در فرهنگ ما ممکن است به معنای جهاد و شهادت به کار برده شوند و در شعارها وجود داشتند، تعیین شدند. این واژه‌ها شامل خون دادن، به خون خفتن، پرپر شدن، گل پرپر، حسینی بودن، عاشورا و کربلا بودند. مجموعاً ۵۷۱ مورد از این نوع واژه‌ها در شعارها به کار برده شده که ۲۵۰ مورد آن مربوط به واژه‌های هم ریشه با شهادت است. لازم به یادآوری است که واژه‌های مربوط به مبارزه مسلحانه و جنگ جزء این واژه‌ها محسوب نشده‌اند، زیرا این واژه‌ها به خودی خود فاقد بار ارزشی بوده و نباید با جهاد و مفاهیم مربوط یکی گرفته شوند. به عبارت دیگر جهاد مفهوم ارزشی عامی است که نباید آن را به معنای مبارزه مسلحانه و جنگ تلقی کرد، و یا برعکس مبارزه مسلحانه و جنگ را لزوماً جهاد دانست.

پس از آن کلیه شعارهایی، که در بین ۴۱۵۳ شعار انقلاب، حاوی این واژه‌ها بودند مشخص شده و مورد بررسی قرار گرفتند. از این بررسی ۳۹۰ شعار به دست آمد، که شعارهای مربوط به جهاد و شهادت می‌باشند. این شعارها باید تحلیل محتوا، تجزیه و تحلیل می‌شدند. در واقع، مجموعه واژه‌های فوق با روابط فی‌مابین خود گفتمان شهادت را در انقلاب اسلامی ایران می‌سازند.

برای تحلیل محتوای شعارها، باید شعارها رمزگذاری می‌شدند، تا «اطلاعات خام به طور منظمی تغییر شکل یافته، به واحدهایی برای توصیف دقیق ویژگی‌های محتوا تبدیل شود» (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). برای رمزگذاری ابتدا می‌باید مقوله‌های مورد بررسی مشخص، و به طور دقیق، تعریف می‌شدند. در این مرحله محقق باید «از یکسو متغیرهایی را که با آن سر و کار

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

دارد، به روشنی تعریف کند (تعاریف نظری) و از سوی دیگر باید شاخص‌هایی را که اطلاعات محتوا بر آن اساس در مقوله‌ها قرار می‌گیرند، تعریف نماید (تعاریف عملیاتی)» (همان: ۱۴۸).

دو مقوله اصلی که به وسیله چارچوب مفهومی مشخص شد، عبارت هستند از: «ارزش‌های غایی زندگی» و «ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت». سایر مضمون‌ها در مقولات زیر قرار گرفتند: (۱) اعلام آمادگی برای جانبازی، جهاد و شهادت در راه رهبری و اهداف او، (۲) اعلام آمادگی و دعوت از دیگران برای مشارکت در حرکت انقلابی و جهاد و شهادت، (۳) ارتباط دادن انقلاب و فداکاری‌های انقلابیون به قیام امام حسین (ع)، محرم و عاشورا، (۴) خاستگاه اجتماعی شهیدان، (۵) اعلام نفرت و انزجار از عوامل داخلی و خارجی کشته شدن شهدا و (۶) تکریم و بزرگداشت شهدای خاص. با تعریف نظری و عملیاتی این مقوله‌های زیر-مقوله‌های هر مقوله مشخص گردید، که در ذیل به بعضی از آن‌ها به طور مختصر اشاره می‌شود:

(۱) ارزش‌های غایی ارزش‌هایی هستند که در آن‌ها هدف خاصی به طور کلی و انتزاعی و به خودی خود، بدون ارتباط با ارزش‌های دیگر، به عنوان یک ارزش مطلوب نهایی و یک موفقیت و دستاورد بزرگ تلقی می‌شود. در تعریف عملیاتی، زیر-مقوله‌های این ارزش‌ها شامل موارد زیر گردید: «رسیدن به سعادت ابدی و بهشت، پیروزی حق بر باطل و تاریخ‌سازی، پیروزی اسلام و انقلاب و سرنگونی شاه، دست یافتن به آزادی، تبریک گفتن شهادت به عنوان یک موفقیت عظیم و بی‌نظیر معنوی و افتخار کردن به آن به عنوان یک اقدام خدا خواهانه و حسینی، زنده و جاوید ماندن یاد و خاطره شهیدان و زنده نگهداشتن یاد و خاطره آن‌ها، شهادت و جهاد به عنوان شعار مکتب، ملت و انقلاب، تقدس و پاکی خون شهیدان و سلام و درود بر شهیدان».

(۲) ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت عبارت است از ارزش‌هایی که در آن‌ها شهادت و جهاد برای تحقق ارزش دیگری مطرح شده است. به عبارت دیگر، ارزش‌هایی وجود دارند که می‌توان و می‌ارزد برای آن‌ها حتی به قیمت از دست دادن جان و زندگی خود مبارزه کرد. بر اساس محتوای مضمون‌ها و با تعریف عملیاتی، زیر-مقوله‌های مهم زیر برای مقوله ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت به دست آمد: «تأیید و تأکید بر راه شهیدان و ادامه آن، جهاد و شهادت برای خدا و راه حق، جهاد و شهادت برای دین و اسلام، جهاد و شهادت برای قرآن، جهاد و

شهادت برای آزادی و آزادگی، جهاد و شهادت برای انقلاب و حقانیت آن، جهاد و شهادت برای سرنگون کردن شاه و رژیم پهلوی، و برتری قدرت شهادت و خون بر هر نوع سلاح» (مثال‌هایی از شعارهایی که حاوی این مضامین هستند را بعداً خواهیم دید).

۳) اعلام آمادگی جهت جانبازی و شهادت برای امام خمینی مضمون‌هایی هستند که در آن‌ها شعاردهندگان بر حسینی بودن راه و روش رهبری و آمادگی آنان جهت فداکاری و جانبازی برای رهبر و فرمانبرداری از او تأکید می‌کنند. این مقوله شامل زیر- مقوله‌های «اعلام آمادگی برای جانبازی و شهادت برای رهبر و فرمانبرداری از او، درخواست حکم جهاد از رهبر، اعلام سربازی برای امام و تأکید بر حسینی بودن امام و راه و روش او» می‌باشد.

۴) آخرین مقوله‌ای که به آن می‌پردازم، مضمون‌هایی بود که در آن‌ها نوعی ارتباط بین انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) برقرار شده است. مضمون‌هایی که در آن‌ها از مفاهیم و واژه‌هایی استفاده شده که به طور آشکار مربوط به قیام سیدالشهدا بوده و معنای جهاد و شهادت می‌دهند، مانند «محرم، عاشورا، کربلا، زینب و یزید» در این مقوله قرار می‌گیرند. این مضمون‌ها در زیر- مقوله‌های «تعظیم و تکریم ماه محرم، حسینی بودن راه شهیدان و ضرورت ادامه راه آنان، حسینی بودن نهضت انقلاب اسلامی، عاشورا و کربلا» قرار داده شدند. برای حفظ اختصار از تعاریف نظری و عملیاتی سایر مقوله‌ها و زیر- مقوله‌ها خودداری می‌شود، تا بتوانیم بیشتر به نتایج تحقیق بپردازیم.

روش تحلیل محتوای این تحقیق، بر حسب متن شعارها که حالتی شعر گونه داشته و ایجاز در آن‌ها وجود دارد، روش ترکیبی تحلیل محتوای آشکار و پنهان بوده است. بدین معنی که هم مفاهیم آشکار به کار رفته در شعارها برای رمزگذاری مورد توجه بودند، هم معانی و نوع ارتباط واژه‌ها با هم. یعنی صرفاً با شمردن کلمات یا دیدن واژه‌های خاصی نمی‌شد شعارها را رمزگذاری نمود لذا، باید به مضمون و معانی آن‌ها نیز توجه می‌شد. اما برای شناسایی هر مضمون وجود حداقل یک کلمه در شعار، به عنوان واژه مبنای مضمون ضروری تشخیص داده شد، تا از استنباط‌های بی‌مبنا و ذهنی خودداری گردد.

در تحلیل محتوا واحد ثبت می‌تواند کلمه یا نماد، موضوع، شخصیت، جمله یا پاراگراف، و عنوان باشد (بنگرید به هولستی، ۱۳۷۳: ۱۸۲-۱۸۴). در این تحقیق می‌شد جمله و یا هر شعار

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

را یک واحد ثبت در نظر گرفت و بر آن اساس هر شعار را در مقوله مناسبی قرار داد. در این صورت تعداد واحدهای ثبت ما برابر تعداد شعار ۳۹۰ مورد می‌گردید. اما از آن جا که اکثر شعارها حاوی بیش از یک مضمون هستند، این کار سبب مشکلات زیادی در کدگذاری و نیز از دست رفتن اطلاعات زیادی می‌شد. مثلاً، شاید بتوان شعار «شهید قلب تاریخ است» را دارای یک مضمون دانسته و آن را به راحتی در یک مقوله قرار داد. اما اکثر شعارها چنین نیستند. مثلاً شعار «ای شهید نام تو پایدار است، مرگ تو افتخار است» حداقل دو مضمون متفاوت دارد: یکی پایدار بودن نام شهید و دیگری افتخار بودن این‌گونه مردن. بنابراین نمی‌توان چنین شعاری را به راحتی در یک مقوله قرار داد، مگر این که مقوله خیلی انتزاعی تعریف شده باشد. در نتیجه در این تحقیق تصمیم گرفته شد، به جای جمله یا کلمه، از «موضوع» به عنوان واحد ثبت استفاده شود. منظور از موضوع مضامین مستقل و مشخصی هستند که بر اساس مفاهیم آشکار به کار رفته در شعارمعنای خاصی را می‌رسانند. مثلاً شعار فوق، دو موضوع یا مضمون «پایدار بودن یا جاودانگی نام شهید» و «افتخار بودن شهادت یا مرگ سرخ» را دارد، که هر کدام در زیر-مقوله متفاوتی از ارزش‌های غایی قرار می‌گیرند. شعارهایی وجود دارند که ۳ یا ۴ یا حتی ۵ مضمون یا موضوع مشخص در آن‌ها دیده می‌شود. مثلاً، شعار «برادر شهیدم، ای خواهر شهیدم، راهت ادامه دارد» سه مضمون دارد، شامل دو خطاب به شهدا و یک وعده ادامه راه شهدا. اکنون به اختصار به یافته‌های این تحقیق می‌پردازیم.

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که اشاره شد، از ۴۱۵۳ شعار انقلابی، ۳۹۰ شعار حاوی واژه‌های مربوط به جهاد و شهادت به دست آمد، که ۹/۴ درصد آن شعارهاست. تعداد زیاد شعارهای مربوط به جهاد و شهادت در بین شعارهای انقلاب اسلامی، نشان دهنده اهمیت و نقش اساسی آن‌ها در فرایند بسیج انقلاب اسلامی و ایدئولوژی انقلابی است، که جا دارد مطالعات دقیق‌تری روی آن‌ها به عمل آید.

بر مبنای واحد ثبت مضمونی و مقولات و زیر-مقوله‌های تعیین شده، از تحلیل محتوای موضوعی ۳۹۰ شعار به دست آمده، ۸۴۷ مضمون به دست آمد. بدین ترتیب میانگین مضمون

هر شعار تقریباً ۲/۱۵ می باشد. در جدول شماره ۱ چگونگی توزیع این مضمون‌ها در مقوله‌های اصلی دیده می شود:

جدول شماره ۱. چگونگی توزیع مضمون‌های شعارهای مربوط به جهاد و شهادت

موضوع مقوله	تعداد مضمون	درصد
ارزش‌های غایی زندگی	۱۸۳	۲۱/۶
ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت	۱۹۲	۲۲/۷
اعلام آمادگی جهت جانبازی و شهادت برای امام خمینی	۹۸	۱۱/۶
اعلام آمادگی و دعوت به جهاد و شهادت	۵۵	۶/۵
ارتباط دادن انقلاب و ایثارگری مردم به قیام امام حسین (ع)	۶۹	۸/۱
اعلام نفرت و انزجار از عوامل داخلی و خارجی کشته شدن شهدا	۶۵	۷/۷
تکریم و بزرگداشت شهدای خاص	۳۶	۴/۲
خاستگاه اجتماعی شهیدان	۸۸	۱۰/۴
سایر مضمون‌ها	۶۱	۷/۲
جمع مضمون‌های ۳۹۰ شعار	۸۴۷	۱۰۰/۰

جدول فوق نشان می دهد که ۱۸۳ مضمون، از حدود ۸۵۰ مضمون موجود در این شعارها، یعنی ۲۱/۶ درصد مضمون‌ها، متعلق به ارزش‌های غایی زندگی است، که در آن‌ها هدف‌های اساسی زندگی فرد مسلمان و اهمیت جهاد و شهادت به عنوان یک هدف اصلی برای زندگی انسان، مطرح شده است. تعدد مضمون‌های مربوط به ارزش‌های غایی زندگی، و رابطه آن‌ها با ارزش جهاد و شهادت، با تعلیمات اسلامی و با چارچوب مفهومی ما سازگاری بالایی دارد. چرا که در بسیاری از آیات و روایات، شهادت در راه خدا به عنوان یک هدف بسیار ارزشمند که مؤمنین آرزوی رسیدن به فیض آن را دارند عنوان شده است (مثلاً بنگرید به پیام پیامبر، ۱۳۷۶: ۶۹۲ - ۶۹۵). شریعتی در کتاب *شهادت* چنین می نویسد: «شهادت، در فرهنگ ما یک «درجه» است، وسیله نیست، خود، هدف است، اصالت است، خود، یک تکامل، یک علو است. خود یک مسؤولیت بزرگ است، خود یک راه میانبر به طرف صعود به قله معراج بشریت است، و یک فرهنگ است» (شریعتی، ۱۳۵۰: ۶۸). جزئیات این مضمون‌ها را بعداً خواهیم دید.

بیشترین فراوانی و درصد مضمون‌ها مربوط به اهمیت جهاد و شهادت به عنوان یک ارزش ابزاری یا وسیله‌ای است که در ۱۹۲ مضمون (۲۲/۷ درصد آن‌ها) آمده است. در این مضمون‌ها جهاد و شهادت به عنوان ارزشی تلقی شده است که برای رسیدن به ارزش‌های

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

والا تری، مانند «تقرب به خدا، یاری اسلام و قرآن، مبارزه با ستمگران، سرنگون کردن شاه و رژیم، و آزادی و آزادگی»، اهمیت می‌باید. البته تفکیک ارزش‌های غایی و ابزاری درباره جهاد و شهادت بیشتر برای مشخص کردن نحوه نگرش مطرح شده در شعارها است، در واقع، این دو به راحتی از هم قابل تفکیک نیستند.

تعداد قابل توجهی از این مضمون‌ها مربوط به اعلام آمادگی برای فداکاری، جهاد و شهادت در راه امام خمینی رهبر انقلاب است که ۹۸ مورد، یا ۱۱/۶ درصد آن‌هاست. طرح این تعداد از مضمون‌های فداکاری و جهاد برای رهبری و پیروی از او از یک طرف نشان‌دهنده اعتقاد راسخ مردم و انقلابیون به اسلامی بودن و درستی راه امام و اهداف او است، و از طرف دیگر علاقه و رابطه عاطفی ایجاد شده بین رهبر و پیروان و به عبارت دیگر فرهمندی و یا کاریزماتیک بودن امام است. چنین رابطه‌ای بین مردم و هیچ‌یک از رهبران دیگر انقلاب دیده نشده است (جزئیات این مضمون‌ها را بعداً خواهیم دید).

ارزش جهاد و شهادت در فرهنگ شیعی جامعه ما ارتباط نزدیکی با قیام امام حسین (ع) دارد، که در مربوط کردن انقلاب و فعالیت‌های انقلابی و اهداف و نتایج آن با قیام امام حسین (ع) کاملاً آشکار است. به طوری که در ۶۹ مضمون (۸/۱ درصد) به نوعی بین جنبش انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) ارتباط برقرار شده است، و رنگ و صبغه فرهنگ حسینی در شعارهای انقلاب به وضوح دیده می‌شود. بدیهی است، این ربط و احساس و ادراک آن به وسیله توده‌ها در ملموس کردن و قابل فهم کردن جنبش و پیوستن مردم به آن و فداکاری و ایثارگری برای آن، بسیار اثرگذار بوده است.

۵۵ مضمون، و یا ۶/۵ درصد از مضمون‌های مربوط به جهاد و شهادت، به اعلام آمادگی برای جهاد و شهادت و دعوت از دیگران جهت پیوستن به قیام تعلق دارد. تعدادی از این مضمون‌ها درباره اعلام آمادگی جهت جهاد و شهادت در راه اسلام و انقلاب است. به عنوان نمونه می‌توان به شعار «با اتحاد کامل آماده قیامیم، تا آخرین قطره خون فرمانبر امامیم» اشاره کرد که حاوی چنین مضمونی است. همچنین در تعدادی از این مضمون‌ها از مسلمانان برای قیام و شهادت دعوت شده است. مثلاً شعارهای «جهاد کن مسلمان، این سرزمین خون را، آزاد کن مسلمان» و «محصل، محصل بپا خیز، برادرت کشته شد» دارای چنین مضمون‌هایی می‌باشند.

در ۶۵ مورد از مضمون‌های جهاد و شهادت، اعلام نفرت و انزجار از عوامل داخلی و خارجی کشته شدن شهیدان مطرح شده و آن‌ها مسؤول قتل شهدا تلقی شده‌اند. از جمله این شعارها شامل: «آمریکا، آمریکا، مرگ به نیرنگ تو؛ خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تو» و «تازگی‌ها شاه مسلمان شده، آب وضوش خون جوانان شده» می‌باشند. در این مضمون‌ها هم کشتن شهیدان به دشمنان انقلاب نسبت داده شده و هم ویژگی‌های منفی این عوامل مانند نیرنگ و توطئه کردن، ذکر شده است. در بین این عوامل آمریکا و کارتر، شوروی، اسرائیل و برخی از گروه‌های داخلی دیده می‌شوند.

مضمون‌های مربوط به خاستگاه اجتماعی شهیدان، تعلق شهدا را به استان‌ها، شهرها و محله‌های خاص، و نیز به اقشار مختلف اجتماعی، مانند معلمان، محصلین و دانشجویان و گروه‌های سیاسی مختلف، نشان می‌دهد. ۸۸ مضمون، که ۱۰/۴ درصد آن‌ها می‌باشد، به این موضوعات تعلق دارند. ۳۶ مضمون نیز مربوط به تکریم و بزرگداشت شهدای خاصی مانند شهید بهشتی (۷ مورد)، شهید مطهری (۵ مورد) و شهید شریعتی (۴ مورد) و غیره است، که حدود ۴ درصد این مضمون‌ها است. در این مضمون‌ها این شهدا به عنوان نمونه کسانی که هم به درجه عالی شهادت رسیده‌اند و هم با خون و عمل خود درس شهادت به دیگران داده‌اند، مورد تکریم قرار گرفته‌اند. در ذیل با مثال‌هایی به ذکر جزئیات بعضی از مقوله‌ها می‌پردازیم.

جدول شماره ۲. چگونگی توزیع ارزش‌های غایی زندگی

درصد	تعداد مضمون	موضوع زیر-مقوله
۷/۱	۱۳	رسیدن به سعادت ابدی و بهشت
۹/۸	۱۸	پیروزی حق بر باطل و تاریخ سازی
۱۳/۷	۲۵	پیروزی اسلام و انقلاب و سرنگونی شاه
۷/۱	۱۳	دست یافتن به آزادی
۱۵/۸	۲۹	تبریک شهادت و افتخار کردن به آن
۱۸/۶	۳۴	زنه و جاوید ماندن یاد و خاطره شهیدان
۶/۰	۱۱	تقدس و پاکی خون شهیدان
۱۳/۷	۲۵	سلام و درود بر شهیدان
۴/۴	۸	شهادت و جهاد شعار مکتب
۲/۸	۷	سایر مضمون‌های مربوط
۱۰۰/۰	۱۸۳	جمع

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که مضمون‌های مربوط به ارزش‌های غایی زندگی یک فرد مسلمان به زیر-مقوله‌های چندی تقسیم شده‌اند. بیشترین این مضمون‌ها، که ۳۴ مورد و حدود ۱۸ درصد آن‌ها است به زنه و جاوید ماندن شهیدان و یاد و خاطره آن‌ها تعلق دارد. شعار

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

«زنده و جاوید باد یاد شهیدان ما» از نمونه این‌گونه شعارها است. در رده بعدی ۲۹ مضمون، حدود ۱۶ درصد آن‌ها، متعلق به زیر-مقوله تبریک شهادت و افتخار کردن به آن است. تبریک شهادت و افتخار به آن، برای کسانی که چنین راه را انتخاب کرده‌اند و به وسیله آن به زندگی ابدی رسیده‌اند، نشان دیگر از تأیید این ارزش و آرزو برای رسیدن به چنین درجه افتخارآمیزی است. برای نمونه می‌توان به شعار «ای شهید، شهادتت مبارک، فریاد حق به راهت، ای با سعادت» اشاره کرد که حاوی چنین مضمونی است. در واقع، این مضمون‌ها برای این موضوع تأکید دارند، که اگر انسان‌ها به دنبال یافتن زندگی افتخارآمیز و جاویدان هستند، شهادت به عنوان یک ارزش و هدف غایی آنان را به جاودانگی می‌رساند.

در رتبه بعدی پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگون شدن رژیم و شاه و در واقع ایجاد جامعه اسلامی به عنوان جامعه‌ای که انسان را به راه کمال و سعادت می‌برد، قرار گرفته است، که ۲۵ مضمون دارد. به همین تعداد مضمون نیز متعلق به سلام و درود بر شهیدان است، که نوع دیگری از حفظ یاد و خاطره شهیدان است. شعارهای «درود بر خمینی، سلام بر شهیدان» و «درود بر شهدای آزادی» از نمونه این‌گونه شعارها است. در ۱۸ مضمون نیز به پیروزی حق بر باطل در اثر شهادت و تاریخ‌ساز بودن شهادت اشاره شده است. مثلاً در شعارهای «خون شهیدان می‌جوشد، می‌گوید: حق بر باطل پیروز است» و «شهید قلب تاریخ است» چنین مضمون‌هایی دیده می‌شود.

در ۱۳ مضمون رسیدن به سعادت ابدی و بهشت برین در اثر جهاد و شهادت که آرزوی هر مسلمان و هدف نهایی زندگی است، آمده است. قابل توجه است که در ۱۳ مضمون هم به دست یافتن به آزادی به عنوان یکی از نتایج جهاد و شهادت اشاره شده است. از این نمونه می‌توان به شعار «این طلوع آزادی است، جای شهدا خالی است» اشاره کرد.

تعدادی از مضمون‌ها نیز به تقدس و پاکی خون شهیدان تعلق دارد. به این معنی که با انتخاب این راه و جان باختن در آن، شهدا خود را از هر نوع آلودگی تطهیر کرده و به پاکی و تقدس دست می‌یابند، به طوری که می‌توان به خون شهیدان سوگند یاد کرد. شعار «خون پاک شهیدان، می‌دهد این نوید، مرگ بر شاه» چنین مضمونی دارد. اعتقاد راسخ به ارزش شهادت به عنوان یک هدف و آرزو برای مسلمانان به حدی است که در ۸ مضمون، جهاد و شهادت به

عنوان شعار مکتب، ملت و قرآن مطرح شده است. «این است شعار ملت: ایمان، جهاد، شهادت» از جمله این شعارها است.

همان‌طور که اشاره شد، غالباً جهاد و شهادت به خودی خود یک هدف غایی نیست، بلکه وسیله‌ای برای تحقق و به دست آوردن ارزش‌های غایی است؛ به عبارتی دیگر ارزشی ابزاری است. اکنون به بررسی انواع مضمون‌های مربوط به ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت می‌پردازیم.

جدول شماره ۳. چگونگی توزیع مضمون‌های ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت

موضوع زیر-مقوله	تعداد مضمون	درصد
تأیید و تأکید بر راه شهیدان و ادامه دادن راه آنان	۳۳	۱۷/۲
جهاد و شهادت برای اسلام و دین و ایمان	۲۴	۱۲/۵
جهاد و شهادت برای خدا، حق و در راه حق	۳۱	۱۶/۲
جهاد و شهادت برای قرآن	۱۸	۹/۴
جهاد و شهادت برای آزادی و آزادگی	۱۹	۹/۹
جهاد و شهادت برای انقلاب و حقانیت آن	۱۰	۵/۲
جهاد و شهادت برای سرنگون کردن شاه و رژیم او و پیروزی	۲۰	۱۰/۴
برتری قدرت شهادت و خون بر هر نوع سلاح	۱۴	۷/۳
جهاد و شهادت برای جمهوری و حکومت اسلامی	۳	۱/۵
جهاد و شهادت برای وطن	۲	۱/۰
سایر مضمون‌های مربوط	۱۸	۹/۴
جمع	۱۹۲	۱۰۰/۰

جدول شماره ۳ اهداف و ارزش‌هایی را نشان می‌دهد که در شعارها تحقق آن‌ها سزاوار جهاد و شهادت معرفی شده است. بیشترین این مضمون‌ها مربوط به تأیید و تأکید بر راه شهیدان و اهمیت ادامه راه آنان است، که در ۳۳ مضمون (۱۷/۲ درصد آن‌ها) آمده است. به عبارت دیگر، انتخاب راه شهادت و ایثارگری به عنوان یک انتخاب درست و ارزشمند، که دیگران نیز باید آن را انتخاب کنند، مطرح می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به شعارهای «برادر شهیدم، ای خواهر شهیدم، راهت ادامه دارد» و «پیروی از راه شهیدان کنیم، مدرسه را سنگر قرآن کنیم» اشاره کرد که حاوی چنین مضمون‌هایی هستند.

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

در مرتبه بعدی، جهاد و شهادت برای خدا و حق و در راه حق است، که ۳۱ مضمون می‌باشند. مثلاً، شعار «ای شهید حق، آیم به سویت، بهشت موعود در پیش رویت» حاوی مضمون شهادت برای حق می‌باشد. در ۲۴ مضمون نیز موضوع جهاد و شهادت برای اسلام و دین و ایمان وجود دارد، که در شعارهایی مانند «از خون او حق زنده شد الحمدلله، اسلام و دین پاینده شد الحمدلله» دیده می‌شود. شهادت و فداکاری برای قرآن نیز در ۱۸ مضمون مطرح شده است. شعار «برای حفظ قرآن، سرباز هم شهید شد» چنین مضمونی را می‌رساند. روشن است که هر سه این زیر-مقوله‌ها با هم ارتباط نزدیک دارند و همه مربوط به اعتقادات دینی، خدا و اسلام هستند. به عبارت دیگر، جمعاً ۷۳ مضمون از این ارزش‌ها، که حدود ۳۸ درصد این مضامین است، مربوط به فداکاری، جهاد و شهادت مستقیماً در راه خدا و اسلام و قرآن است، که اصل و اساس دین می‌باشد. یعنی خدا و دین خدا به عنوان بالاترین اهدافی طرح شده‌اند که شایسته است یک مسلمان برای آن‌ها جهاد و شهادت را انتخاب نماید. این تمرکز مضامین به خوبی ماهیت انقلاب و ایدئولوژی انقلابی را نشان می‌دهد. اگر این مضامین را با ۲ مضمونی که در آن‌ها جهاد و شهادت برای وطن آمده است مقایسه کنید، روشن می‌شود که ایدئولوژی ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم در انقلاب اسلامی به عنوان انگیزه‌ای مهم و جدی برای فداکاری و ایثارگری نبوده است.

تعداد و درصد مضمون‌هایی که به جهاد و شهادت در راه آزادی مربوط می‌باشد نیز قابل توجه است. ۱۹ مضمون از این مجموعه به طور مستقیم شایسته بودن جهاد و شهادت را برای به دست آوردن آزادی مطرح می‌کنند. برای نمونه می‌توان به شعارهای «درود بر شهدای آزادی» و «لحظه به لحظه گویم، زیر شکنجه گویم، یا مرگ یا آزادی» اشاره کرد. البته ممکن است به طور غیرمستقیم نیز بتوان گفت آزادی و آزادگی در اسلام نهفته است و تحقق اسلام و جامعه اسلامی باید منجر به تحقق آزادی هم بشود. چنان که شهید مطهری می‌گوید «از آن جا که ماهیت این انقلاب ماهیتی عدالت‌خواهانه بوده است، وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا بشود حکومت جمهوری اسلامی، زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد. البته آزادی غیر از هرج و مرج است...» (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۲). وی در جای دیگر اعلام می‌کند: «من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار

می‌دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی، جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها» (همان: ۱۹). وی اضافه می‌کند «هر کس می‌باید فکر و بیان قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد» (همان: ۶۳). مجموعه این نگاه به اسلام و انقلاب اسلامی، که مشابه آن در گفتار امام نیز به کرات دیده می‌شود، نشان می‌دهد که جهاد و شهادت در راه اسلام، از نظر آنان به طور غیرمستقیم جهاد و تلاش در راه آزادی نیز می‌تواند تلقی شود. اما در این مضمون‌ها به طور مستقیم نیز در حد قابل توجهی به هدف فوق و اهمیت آن اشاره شده است.

۲۰ مضمون نیز درباره جهاد و شهادت برای مبارزه و سرنگون کردن شاه و رژیم او مطرح شده است، که بسیار کمتر از مضامین مربوط به جهاد و شهادت در راه خدا و دین و اسلام است. البته با توجه به دو هدف اصلی قبلی، یعنی جهاد و شهادت برای دین خدا و آزادی، معلوم است که شهادت برای سرنگون کردن شاه و رژیم پهلوی در ذهن مردم ارتباط نزدیکی با هم داشته‌اند. چرا که بدون سرنگون کردن این رژیم از نظر آنان نه اسلام و دین خدا یاری می‌شد و نه آزادی برپا می‌گردید. به عبارت دیگر، جهاد برای سرنگونی شاه و رژیم پهلوی، در واقع جهاد در راه خدا، دین، قرآن و آزادی نیز خواهد بود. در عین حال، با مقایسه این دو دسته از شعارها، می‌توان این ادعای معروف را که «مردم در انقلابات می‌دانند چه نمی‌خواهند، ولی نمی‌دانند چه می‌خواهند» را لاقلاً درباره انقلاب اسلامی مورد تردید قرار داد. مثال این نوع مضمون‌ها در شعارهای «خون حسین می‌جوشد، خمینی می‌خروشد، برعلیه سلطنت ملت کفن می‌پوشد» و «خیز ای جوان، با خون خود وضو کن، کاخ ستمگر را تو زیر و رو کن» دیده می‌شود. جالب توجه است که مضمون‌های مربوط به جهاد و شهادت برای جمهوری اسلامی یا حکومت اسلامی نیز بسیار نادر هستند. این می‌تواند بسیار معنی‌دار باشد، چرا که حکومت و یا جمهوری اسلامی باید خود وسیله‌ای باشد برای تحقق اهداف برتری که آن‌ها شایسته شهادت و ایثارگری می‌باشند.

در ۱۴ مضمون نیز برتری قدرت و اثرگذاری خون شهدا بر هر نوع سلاح مطرح شده است. این قدرتی است که عملاً در انقلاب به نمایش درآمد، و معلوم کرد کسانی که به آن درجه

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

از فداکاری و ایثارگری رسیده باشند که از جان خود بگذرند، نه تنها از هیچ سلاحی نمی‌هراسند بلکه انواع سلاح‌ها در برابر آنان ضعیف و ناچیز شده و شکست می‌خورد. مثلاً در شعار «توب، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، شهادت در راه حق گریه و غم ندارد» چنین مضمونی دیده می‌شود. جهاد و شهادت برای انقلاب اسلامی و حقانیت و اهداف آن نیز ۱۰ مضمون را به خود اختصاص داده است.

اکنون به طور دقیق‌تر به ارزش‌های جانبازی، فداکاری و شهادت در راه امام خمینی می‌رسیم که در ۹۸ مضمون از این شعارها آمده است. در جدول زیر چگونگی توزیع این مضامین دیده می‌شود:

جدول شماره ۴. چگونگی توزیع مضمون‌های جهاد و شهادت برای امام خمینی

موضوع زیر-مقوله‌ها	تعداد مضمون‌ها	درصد
اعلام آمادگی کلی جهت شهادت برای رهبر	۳۷	۳۷/۷
تأیید و تأکید بر حسینی بودن رهبر و راه او	۱۶	۱۶/۳
اعلام آمادگی برای شهادت و جانبازی برای فرمانبرداری از رهبر	۱۲	۱۲/۲
درخواست حکم و یا اذن جهاد از رهبر برای جهاد و شهادت	۱۰	۱۰/۲
اعلام سرباز و در خدمت امام بودن	۱۱	۱۱/۲
سایر مضمون‌های مربوط	۱۲	۱۲/۴
جمع مضمون‌ها	۹۸	۱۰۰/۰

جدول بالا مضمون‌هایی را نشان می‌دهد که در آن‌ها به نحوی جانبازی و شهادت برای رهبری انقلاب، یعنی امام خمینی، اعلام شده است. در واقع در این مضمون‌ها نیز، همانند مضمون‌های جدول شماره ۳، جهاد و شهادت به نحوی به عنوان یک ارزش ابزاری مطرح شده است، که در آن‌ها امام خمینی و فرمانبرداری از او به عنوان ارزش برتر مطرح می‌شود که شایسته است برای آن جانبازی و فداکاری کرد. چنان که ملاحظه می‌شود، حدود ۳۸ درصد این مضمون‌ها درباره اعلام آمادگی کلی و بدون قید و شرط برای شهادت و جانبازی در راه امام خمینی می‌باشند، که ناشی از اعتقاد راسخ انقلابیون به رهبر انقلاب و اسلامی بودن راه و اهداف او و به طور کلی مشروعیت اسلامی او برای رهبری است. برای نمونه به شعارهای «از جان خود

گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا خمینی» و «تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست» می‌توان اشاره کرد.

در ۱۶ مضمون راه امام خمینی راه حسینی و یا ادامه راه امام حسین (ع) ذکر شده است. در واقع با استفاده از فرهنگ شیعی و قیام امام حسین (ع) رابطه معنایی نزدیکی بین امام حسین (ع) و امام خمینی (که خود یک سید از نسل امام حسین (ع) است) برقرار شده، و سبب مقبولیت بالای رهبری انقلاب گردیده است. برای مثال در شعار «حسین عصر ما خمینی بُود، مشی و مرام او حسینی بود» کاملاً این جایگزینی دیده می‌شود. در سه زیر-مقوله بعدی نیز به نحوی اعلام آمادگی برای جانفشانی در فرمانبرداری از رهبر، درخواست حکم جهاد و یا در صورت صدور حکم جهاد از طرف رهبر، سربازی در پیروی از رهبر اعلام شده که مجموعاً حدود ۳۳ درصد از این مضمون‌ها را تشکیل داده است. شعارهای «خون هر یک شهید، می‌دهد این نوید، رهبر خمینی است، نهضت حسینی است»؛ و «به ارتش خمینی، ما جملگی سربازیم، در راه دین اسلام، ما همگی جانبازیم» حاوی نمونه‌ای از این مضمون‌ها است.

ایجاد ارتباط بین انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) یکی دیگر از موضوعاتی است که در شعارهای مربوط به جهاد و شهادت دیده می‌شود. در این زمینه ۶۹ مضمون وجود داشته است که چگونگی توزیع آن‌ها در زیر-مقوله‌های مربوط در جدول شماره ۵ آمده است:

جدول شماره ۵. توزیع مضمون‌های ارتباط جهاد و شهادت با قیام امام حسین (ع)

موضوع زیر-مقوله‌ها	تعداد مضمون‌ها	درصد
تعظیم و تکریم ماه محرم، ماه خون و شهادت	۲۱	۳۰/۴
حسینی بودن راه شهیدان و ضرورت ادامه آن	۹	۱۳/۰
حسینی بودن نهضت انقلاب اسلامی	۱۳	۱۸/۸
مضامین عاشورا و کربلا	۲۲	۳۲/۰
سایر مضمون‌های مربوط	۴	۵/۸
جمع	۶۹	۱۰۰/۰

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در شعارهای مورد بررسی، در ۲۱ مضمون به نحوی موضوع ماه محرم، به عنوان ماه قیام، شهادت، ایشارگری و جانبازی مطرح شده و با انقلاب اسلامی پیوند داده شده است. مانند: «محرم ماه خون است، ستمگر سرنگون است». همچنین در

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

۹ مضمون راه شهیدان انقلاب راه حسینی و ادامه راه حسین (ع) عنوان شده، و بدین ترتیب ارتباط بین قیام امام حسین (ع) و انقلاب اسلامی برقرار شده است. شعار «رهبر ایران خمینی بود، راه شهیدان حسینی بود» نمونه‌ای از آن‌ها است. حسینی بودن نهضت انقلابی نیز در ۱۳ شعار، مانند شعار «نهضت ما حسینی است» مطرح شده است، و بدین‌سان بین انقلاب اسلامی و واقعه قیام امام حسین (ع) رابطه نزدیک برقرار گردیده است. مفاهیم عاشورا و کربلا نیز در ۲۲ شعار مطرح شده و باز انقلاب اسلامی به واقعه کربلا ربط داده شده است. در شعار «خون شهیدان حق، جوشیده از کربلای ایران» به خوبی این پیوند دیده می‌شود. به این ترتیب می‌بینیم بین انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع)، که در فرهنگ شیعی ایران همیشه زنده بوده است، ارتباط نزدیک و همگونی برقرار شده و هم انقلاب و رهبری آن مشروعیت پیدا کرده و هم انقلاب اسلامی برای مردم معنا و مفهوم ملموسی یافته، و هم از احساسات غنی اسلامی مردم در جهت بسیج فراگیر، جهاد و شهادت برای انقلاب استفاده شده است.

نتیجه‌گیری و بحث

موضوع بررسی این مقاله ارزش‌ها و مضمون‌های مربوط به جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی ایران بود. پس از طرح مباحث نظری و چارچوب مفهومی مطالعه، روش تحلیل محتوای تحقیق توضیح داده شد. سپس با استفاده از واژگان مربوط به جهاد و شهادت، شعارهای حاوی مضمون‌های مربوط از بین شعارهای انقلاب اسلامی استخراج گردید. آنگاه بر اساس مقولات حاصل از چارچوب مفهومی و با استفاده از روش مذکور، شعارهای مربوط به جهاد و شهادت تحلیل محتوای مضمونی شدند تا معلوم شود چه ارزش‌ها، موضوعات و مضامینی در این شعارها وجود دارد.

این بررسی نشان داد که ۳۹۰ شعار از ۴۱۵۳ شعار انقلاب اسلامی، یعنی ۹/۴ درصد آن‌ها، حاوی چنین مضمون‌هایی است. وجود مفاهیم مربوط به جهاد و شهادت در حدود یک دهم شعارهای انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این گفتمان نقش محوری در فرایند بسیج انقلاب اسلامی ایفا کرده است.

۳۹۰ شعار مربوط به جهاد و شهادت حاوی حدود ۸۵۰ مضمون مربوط به جهاد و شهادت می‌باشند، که در ۷ مقوله اصلی پخش شده‌اند. بیشترین تمرکز این مضمون‌ها در دو مقوله ارزش‌های غایی و ارزش‌های ابزاری جهاد و شهادت می‌باشد که با هم، ۳۷۵ مضمون و حدود ۴۴ درصد آن‌ها را می‌سازند. مقوله اعلام آمادگی برای جانبازی و شهادت برای امام خمینی نیز ۱۱/۶ درصد و یا ۹۸ مورد از این مضامین را به خود اختصاص داده است. در ۶۹ مضمون (حدود ۸ درصد آن‌ها) نیز ارتباط مستقیمی بین انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) برقرار شده است. حدود ۱۰ درصد مضامین نیز به خاستگاه اجتماعی شهیدان اختصاص دارد.

در چارچوب مفهومی این بررسی نشان داده شد که تأکید بر اهمیت باورها، ارزش‌ها و ایدئولوژی در مطالعات مربوط به شکل‌گیری بسیج انقلابی روز به روز بیشتر شده است، به طوری که اکنون تحلیل‌گران پسامدرنیست قایل به چرخش فرهنگی در نظریه‌پردازی علوم اجتماعی و نتیجتاً در جنبش‌های اجتماعی هستند (نش، ۲۰۰۱). این نظریه‌پردازان مدعی هستند که مشارکت در یک جنبش اجتماعی مستلزم درک و فهم جنبش، اهداف و فرایند آن در چارچوب فرهنگ جامعه، و وجود و یا شکل‌گیری هویت جمعی مشترک در مردم می‌باشد (همان: ۱۵۳). جان فوران، یکی از نظریه‌پردازان جنبش‌های انقلابی نیز بر همین نکته تأکید دارد. به نظر وی در دو دهه گذشته به نقش فرهنگ و ایدئولوژی در جنبش‌های اجتماعی توجه خاصی شده است، به نحوی که می‌توان این نوع نظریات را نسل جدیدی از نظریه‌پردازی در مطالعات جنبش‌های انقلابی دانست (فوران، ۱۹۹۳: ۱۱-۱۸). بر مبنای این مباحث بهتر می‌توان نقش مفاهیم و ارزش‌های جهاد و شهادت را در انقلاب اسلامی ایران درک کرد.

بر اساس یافته‌های این مقاله می‌توان گفت نه تنها فرهنگ اسلامی و شیعی در فرایند بسیج انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته است، بلکه گفتمان جهاد و شهادت، یا بهتر بگوییم، گفتمان قیام امام حسین (ع) و کربلا و عاشورا، به قول نش چارچوب فرهنگی فرایند بسیج انقلاب اسلامی را تشکیل داده است (بنگرید به نش، ۱۳۸۰: ۱۵۳-۱۶۲). این چارچوب قادر بوده است نارضایتی مردم از نظام حاکم را معنادار کرده و هویت حسینی به جنبش دهد و کنش‌های جمعی را به قیام امام حسین (ع) و جریان کربلا پیوند دهد. اسنو و بنفیلد معتقدند اگر رهبران جنبش «ادعاهایی مطرح سازند که با ایده‌ها و معانی که از قبل بین مردم وجود داشته هم‌نواایی داشته

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

باشند، نیروی قدرتمندی خواهند بود و به این ترتیب به افزایش و شدت کنش جمعی که ویژگی اوج‌گیری یک دوره اعتراضی است کمک می‌کنند» (همان: ۱۵۶).

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت با توجه به این که حدود ۱۰ درصد شعارهای انقلاب اسلامی حاوی ۸۵۰ مضمون مربوط به جهاد و شهادت بوده، توانسته است چارچوب فرهنگی قابل فهم و معناداری برای مردم مسلمان و شیعی ایران ارایه کند و آن‌ها را ترغیب به مشارکت و جانبازی در جنبش انقلابی نماید. به علاوه، از آن جا که بیش از ۸ درصد این مضمون‌ها مربوط به قیام امام حسین (ع)، کربلا و عاشورا بوده است، که همواره در فرهنگ ایران زنده و پویا و فعال مانده، زمینه همانندسازی بین واقعه قیام امام حسین (ع) و انقلاب اسلامی گشته و مردم ایران خود را درگیر قیامی دیده‌اند که تکرار تاریخی قیام امام حسین (ع) می‌باشد. قیامی که آنان بارها در سالگردهای مراسم ماه محرم آرزوی مشارکت در آن و قرار گرفتن در صف امام حسین (ع) را به دل داشته‌اند. روشن است که این موضوع فراتر از نظریه همانندسازی اسطوره رهبری ویلنر است که حسینی آن را در مقاله خود نشان داده است (بنگرید به حسینی، ۱۳۸۲). در این جا نه تنها همانندسازی رهبری اتفاق می‌افتد، که در ۱۶ مضمون آمده است، بلکه همانندسازی کل قیام انقلاب اسلامی با قیام امام حسین (ع) اتفاق افتاده است، که موضوع بس مهمتر و اساسی‌تری است، و فراتر از نظریه‌پردازی‌های موجود در جنبش‌های انقلابی است.

به طور کلی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، مضامین یافته شده در شعارهای جهاد و شهادت مطابقت بالایی با ایدئولوژی اسلامی و ارزش‌های اسلامی دارند. چگونگی توزیع مضمون‌ها در مقوله‌ها و زیر-مقوله‌های مربوط نشان می‌دهد که مردم مسلمان ایران برای ایجاد یک نظام اسلامی و برقراری جامعه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، بر اساس باورهای اسلامی و شیعی و با همانندسازی انقلاب با قیام امام حسین (ع)، حاضر بوده‌اند با شوق و شور و با انتخاب خود پذیرای شهادت گردند، تا یا رژیم حاکم را سرنگون کرده و جامعه‌ای اسلامی بر پا کنند و یا به فیض عظیم شهادت نایل گشته و به زندگی سعادت‌مندانانه ابدی در جوار حق مشرف شوند. بعید به نظر می‌رسد بدون وجود چنین ارزش‌هایی و اعتقاد راسخ مردم به آن‌ها و معنا

کردن انقلاب و رهبری آن در قالب فرهنگ شیعی قیام امام حسین (ع) چنین انقلاب شکوهمندی، چنان بسیج فراگیر توده‌ای و چنان پیروزی عظیمی به دست می‌آمد.

منابع

- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱) *ایدئولوژی انقلاب ایران*، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- بریتون، کرین (۱۳۷۰) *کالبد شکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم.
- بشلر، ژان (۱۳۷۰) *ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی*، ترجمه علی اسدی، شرکت سهامی انتشار.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۲) «رهبری امام خمینی در شعارهای انقلاب اسلامی»، در *ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی* (جلد اول)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹) «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۲۰۱، پاییز و زمستان.
- پیام پیامبر، تدوین و ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، انتشارات جامی، ۱۳۷۶.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۲) «امام خمینی نه مثل دیگران»، در *ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی* (جلد اول)، موسسه چاپ و نشر عروج.
- حسینی، حسین (۱۳۸۲) «اسطوره و رهبری کاریزمایی»، در *ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی* (جلد اول)، موسسه چاپ و نشر عروج.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) *آنا‌تومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، شرکت سهامی انتشار.
- روزن، باری (۱۳۷۹) *انقلاب ایران: ایدئولوژی و نمادپردازی*، ترجمه سیاوش مریدی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ریشه، گی (۱۳۷۴) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*، جلد اول: کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریعتی، علی (۱۳۵۰) *شهادت*، انتشارات حسینیه ارشاد.

ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی

- فرامرزی، داوود (۱۳۷۸) «نظریه ساختار مدور ارزش‌های شوارتز»، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی الفروز، تهران: انتشارات کویر.
- هافر، اریک (۱۳۷۲)، پیرو راستین، ترجمه فیروزه خلعتبری، نشر شب‌ویز، چاپ اول.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳) تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- Fireman, Bruce and William Gamson (1979) "Utilitarian Logic in the Resource Mobilization Perspective", *The Dynamics of Social Movements*, Winthrop Publishers, Cambridge.

- Foran, John (1993) "Theories of Revolution Revisited: Toward a Fourth Generation", *Sociological Theory*, 11 (1), pp. 1-20, March.

- Hoffer, Eric, *The True Believer: Thoughts On the Nature of Mass Movements*, Harper and Row Publisher, New York, 1951.

- Muller, N. Edward and Karl-Dieter Opp (1986) "Rational Choice and Rebellions Collective Action", *American Political Science Review*, 80(2), June.

- Nash, Kate (2001) "The 'Cultural Turn' in Social Theory: Towards a Theory of Cultural Politics" *Sociology*, Vol. 35, No. 1, pp. 77-92.

- Oberschall, Anthony (1973) *Social Conflict and Social Movements*, Prentice-Hall, New Jersey.

- Olson, Mancur (1977) *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*, Harvard University Press, Cambridge.

- Tilly, Charles (1978) *From Mobilization to Revolution*, Adison-Wesley Publishing Co., London.

- Useem, Michael (1979) *Protest Movements in America*, Bobbs-Merrill Educational Publishing, Indianapolis.

- Weber, Max (1978) *Economy and Society*, in Guenther Roth and Claus Wittich, Volume 2, University of California Press, Berkeley.